

حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) عسلویه

موضوع تحقیق

شادی از منظر امام سجاد (علیه السلام)

نویسنده:

(۱) زینب بحری

پاییز ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

چکیده

از مؤلفه های زندگی مطلوب برای یک انسان مومن، علاوه بر بروز و ظهور تمام مسائل مورد رضای خدای متعال و در نظر گرفتن موجبات کمال و سعادت حقیقی، می بایست برنامه ای شاداب و با نشاط نیز در سراسر زندگی انسان برقرار باشد. چرا که با نبود شادی، افسردگی جای او قرار می گیرد و بسیاری از اعمال آدمی حتی عبادات، رنگ خود را می بازند. بنابراین شادی موجب نشاط روح حتی در مسائل معنوی نیز می باشد که وجود آن در زندگی یک مسلمان، بسیار ضروری و مهم است. این حس درونی که نموده های بیرونی آن بسیار تأثیرگذار است باید به صورت کامل، ارضا شود و با توجه به فرمایشات دین مبین اسلام و ائمه طاهریین (علیهم السلام) به سمت تعادل، سوق داده شود، اثرات مطلوبی را به دنبال خواهد داشت. هر کدام از ابعاد روحی و جسمی آنان را می توان از دیدگاه تک تک معصومین (علیهم السلام) و بزرگان، مورد بررسی قرار داد. شادی نیز اگر از منظر ائمه بررسی شود، نکات جالب و دل انگیزی را می توان یافت. از این رو این مسأله را در این مجال، از نظر امام چهارم حضرت سجاد (علیه السلام) مورد بحث قرار می گیرد تا معارف بلند ایشان سرلوحه زندگی قرار گیرد. دین اسلام به تمام جوانب و ابعاد انسانی پرداخته است و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز این رسالت را به احسن وجه ادا کرده اند. از میان امامان معصوم، آنکه به غم و اندوه و گریه معروف و مشهور است امام زین العابدین (علیه السلام) است. ما با بیان موضوع شادی از منظر ایشان، در صدد اثبات این نکته ایم که این امام بزرگوار نیز بعد شادی و نشاط را مهم دانسته اند و احادیثی قابل توجه از ایشان نقل شده است. ابتدا جلوه های شادی، معانی و مفهوم آن، چگونگی شادکردن دیگران و پاداش آن بررسی شد، سپس با بیان عوامل شادابی به ذکر عوامل شادی اعم از پسندیده و ناپسند بودن آن، پرداخته شد.

کلیدواژگان: امام سجاد (علیه السلام)، شادی، نشاط، شوخی، شادی ممدوح و مذموم.

شادی و سرور از حالت های درونی انسان است که نموده های بیرونی هم دارد. این حالت محصول و معلول نوعی آگاهی از تحقق اهداف و آرزوهاست و زمانی ایجاد می شود که انسان به یکی از اهداف و آرزوهای خود دست یابد یا اینکه احتمال تحقق آن را بالا بداند. شادی از حس پیروزی و رضایتمندی به دست می آید و وقتی انسان به هدف خود نمی رسد یا آرزوهای خود را بر باد رفته می بیند، حالت غم و اندوه بر او چیره می شود. به این معنا که حزن و اندوه حالتی است که از حس نارضایتی و شکست به دست می آید.

شادی، یکی از انفعالات مهم روحیه انسان به شمار می آید. و در این مورد نظرات گوناگونی مطرح شده است به گمان برخی اسلام به مسئله شادی توجهی ندارد و آنان معتقدند که آموزه های اسلامی بر حزن و اندوه و عدم شادابی و نشاط تکیه دارد در صورتی که اسلام نه تنها با شادی و نشاط مخالف نیست بلکه بهره مندی از شادی های مشروع را امری لازم برای انسان می داند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در مورد ضرورت وجود شادابی و نشاط در جامعه دینی بسیار تأکید داشته اند و در میان نصوص نقل شده، روایات فراوانی به چشم می خورد. از جمله امام سجاد (علیه السلام) که با گذشت حدود سی و پنج سال از عمر مبارکشان در عزاداری و غم و اندوه بر شهادت پدرش اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و یاران شهیدش، ولی در سیره و سخنان ایشان سفارشات فراوانی در مورد اهمیت التزام به قرار دان شادی و نشاط به عنوان سرلوحه زندگی یک مؤمن متعهد، عنوان شده است.

از احادیثی که از امام سجاد (علیه السلام) رسیده است، گاهی به صورت مستقیم و گاه، غیر مستقیم می توان موضوع شادی را از نظر ایشان بررسی کرد.

در مقام بیان دیدگاه امام زین العابدین (علیه السلام) همین کافی است که ایشان سپاسگذاری و شکرگذاری از شخص خوشحال کننده را لازم می دانند و تحسان و جبران شادی را توصیه فرمودند.

با بررسی کلام امام سجاد (علیه السلام) در زمینه شادی و نشاط و سرور می توان نظر ایشان را در چهار محور بیان کرد.

الف) جلوه های شادی

ب) عوامل شادی

ج) شادی های ستوده و ممدوح

د) شادی های مذموم.

شناخت مختصری از زندگانی امام سجاد (علیه السلام)

امام زین العابدین (علیه السلام) در سال سی و هشت قمری دیده به جهان گشود و دوران کودکی خود را در مدینه سپری کرد. حدود دوسال از خلافت جدش امیرمومنان (علیه السلام) را درک نمود و پس از آن مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عمومی خویش امام مجتبی (علیه السلام) بود که تنها در شش ماه آن عهده دار خلافت اسلامی بود. پس از شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) در سال 50 هجری، به مدت ده سال دوران امامت پدرش حسین بن علی (علیهما السلام) که در اوج قدرت معاویه با او در ستیز و مبارزه بود، در کنار او قرار داشت.

در محرم سال 61 هجری در جریان قیام و شهادت پدرش حسین (علیه السلام) در سرزمین کربلا حضور داشت. پس از فاجعه کربلا که امامت به او رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی به اسیری به کوفه و شام برده شد، و در این سفر، سرپرست و تکیه گاه اسیران در کوران مصائب و گرفتاری ها بود. او در این سفر با سخنرانی های آتشین خود حکومت یزید را رسوا ساخت و پس از بازگشت از شام، در شهر مدینه اقامت گزید تا آنکه در سال 94 یا 95 هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف «بقیع» در کنار قبر عمویش امام حسن (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

چون اما چهارم در عصر اختناق زندگی می کرد، نمی توانست مفاهیم مورد نظر خود را بصورت آشکار و صریح بیان کند، از این رو از شیوه موعظه استفاده می کرد و مردم را از طریق موعظه با اندیشه درست اسلامی آشنا می کرد و این اندیشه را که در اثر تبلیغات حاکمان جائر در طول زمان به فراموشی سپرده شده یا تحریف گشته بود، به صورت اول و اصیل به یاد مردم می آورد و توده مردم و جامعه اسلامی را تا هر مقدار که می توانست با حقایق و تعالیم اسلام آشنا می ساخت.

بررسی این موعظه ها نشان می دهد که امام با روش حکیمانه و بسیار زیرکانه ای، ضمن اینکه مردم را نصیحت و موعظه می کرد، آنچه را که می خواست در ذهن مردم جای بگیرد، به آنان القا می کرد، و این بهترین شکل انتقال افکار و اندیشه درست اسلامی در آن شرائط بود زیرا این مباحث در عین اثر و نتیجه سیاسی داشت و بر ضد دستگاه حاکم بود، حساسیت حکومت را بر نمی انگیخت.

یکی دیگر از ابعاد مبارزه پیشوای چهارم با مظالم و مفاصد عصر خویش، نشر احکام اسلام و تبیین مباحث تربیتی و اخلاقی بود. امام در این زمینه گام های بلندی برداشته بطوری که دانشمندان را به تحسین و اعجاب واداشته است، چنانکه دانشمند بزرگ جهان تشیع، شیخ مفید، در این زمینه می نویسد: (فقهای اهل تسنن به قدری علوم از او نقل کرده اند که به شمارش نمی گنجد، و مواعظ و دعاها و فضائل قرآن و حلال و حرام به حدی از آن حضرت نقل شده است که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهیم آن ها را شرح دهیم، سخن به درازا می کشد...) (1)

نمونه از تعالیم تربیتی و اخلاقی که از امام چهارم (علیه السلام) به یادگار مانده، مجموعه ای به نام «رساله حقوق» است که امام طی آن، وظایف گوناگون انسان را، چه در پیشگاه خدا و چه نسبت به خویشان و دیگران، بیان نموده است. (پیشوایی، 1388، برگرفته از ص 234 و 297)

یک نمونه دیگر از آثار گرانبهای آن امام، گنجینه ای است به نام «صحیفه سجادیه» که در قالب دعا و نیایش، بزرگترین معارف اسلامی را در آن به ودیعه گذاشته است.

خداوند متعال می فرماید: «ما أصاب من مصيبة في الأرض و لا في أنفسكم ألا في كتاب من قبل أن نبرأها إن ذلك على الله يسير؛ لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم واللّٰهُ لا يحب كل مختال فخور» (هیچ مصیبتی چه در زمین، چه در نفوس خودتان روی ندهد جز آنکه کتابی پیش از آنکه آن را خلق کنیم ثبت است، همانا این کار بر خدا آسان است؛ تا بر آنچه از دست شما رفت، تأسف نخورید و بر آنچه به شما داده شادمانی (بی جا) نکنید و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.) (حدید/22-23)

پایان آیه نشانگر آن است که اسلام با شادی برخاسته از خودپسندی و فخرفروشی مخالف است، نه همه شادی ها. (سماک امانی، 1385، ص 19-20)

بعضی به عنوان اینکه شوخی، از خصوصیات مومن و مورد سفارش اولیاء دین است، راه افراط را در پیش گرفته، بیش از اندازه به آن می پردازند. بعضی نیز به عنوان اینکه شوخی، عملی مذموم و در روایات، از آن نهی شده، برخوردی خشک و بی روح دارند که گاهی هم برای خودشان هم برای دیگران، موجب بروز مشکلاتی می شود.

شوخی که در زبان عرب با لفظ مزاح از آن تعبیر می شود در روایات معصومین (علیهم السلام) مکرراً مورد اشاره قرار گرفته و بیانات گوناگونی پیرامون آن وجود دارد، در یک جمع بندی، می توان به این نتیجه دست یافت که شوخی کردن از خصوصیات مومنین، مورد سفارش اولیاء دین و حتی روش عملی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است؛ اما از افراط آن شدیداً نهی گردیده و آثار منفی فردی و اجتماعی مختلفی را بر آن مترتب دانسته اند که نیلماً به نمونه هایی از این آثار اشاره خواهد شد.

«عن الرسول صلی الله علیه و آله: یا علی! لا تمزح فیذهب بهاؤک.» (ای علی! از شوخی بیجا پرهیز که ابهت و شخصیتت را از بین می برد.) (ریشه‌ری، ح 18864)

داشتن شخصیت اجتماعی و دارا بودن ارج و قرب نزد اطافیان، از موهبت های مهم الهی است که به آسانی به دست نمی آید اما بسیار آسیب پذیر بوده و زود از دست می رود.

شخصی که در حضور دیگران زیاد شوخی کند، کم کم به عنوان فردی غیر جدی که موقعیت ها را درک نمی کند و قدر و ارزش خود و دیگران را نمی شناسد، مطرح خواهد شد؛ که ثمره اش از دست دادن شخصیت و جایگاه اجتماعی اوست.

«عن علی (علیه السلام) لكلّ شیء بذر و بذر العداوة المزاح» (هر چیزی بذری دارد و بذر دشمنی و عداوت، شوخی بیجا است.) (همان، ح 18866)

بررسی دشمنی ها در بین افراد نشان می دهد که در موارد فراوان زمینه آن در زمان دوستی و آن هم از راه شوخی فراهم شده است.

وقتی دو نفر آن قدر خود را به هم نزدیک می دانند که به خود اجازه هرگونه سخن گفتن و شوخی، توهین و برخوردهای سبک را می دهند، باید بدانند که به دست خود بذر دشمنی را در زمین روابط اجتماعی کاشته و در آینده ای، نه چندان دور، محصول شوخی های بی حد و مرز را به دست خواهند آورد.

عن الکاظم (علیه السلام): «أیّاک و المزاح فأنّه یذهب بنور ایمانک» (از مزاح و شوخی پرهیز کن، چرا که نور ایمانت را از بین می برد.) (همان، 18874)

اگر اساس ایمان را معرفت به ساحت قدس ربوبی، احساس حضور دائمی در محضر او و رفتار بر طبق وظیفه بندگی بدانیم، شوخی زیاد، مغایر با مقتضای ایمان خواهد شد؛ زیرا مومن حقیقی هرگز حاضر نیست اوقات خویش را به بطلالت گذراند و فرصت ها را صرف دست انداختن دیگران و تمسخر آنان، و لو تحت عنوان شوخی بنماید.

قال الصادق (عليه السلام): «لا تمازح فيجترأ عليك» (به شوخی و مزاح نپرداز، تا بر تو جرأت و جسارت پیدا نکنند) (همان، 18879)

رفتار هر شخص، تا حد زیادی تعیین کننده نوع برخورد دیگران با اوست. معروف است که هذکس باید احترام خودش را نگه دارد. بدیهی است که شوخی زیاد و رفتار به دور از شوونات با دیگران، ایجاب می کند تا اطافیان جرأت و جسارت پیدا کرده و همان رفتار را با فرد داشته باشند.

قال علی (عليه السلام): «لا تمازحَنَّ صديقاً فيعاديك» (ایجاد دوستی بین افراد، مستلزم فراهم آمدن زمینه هایی است که اگر این زمینه ها تداوم یابد، دوستی نیز پایدار خواهد شد. اموری از قبیل تواضع، خوش رویی، فریادرسی، دادن هدیه و... موجب دوستی است. اما در مقابل هرگاه نسبت به دوستان، بدرفتاری یا خیانت و یا بی احترامی شود، زمینه جدایی و حتی کینه خواهد شد.

شکی نیست که شوخی ها زمینه توهین، بی احترامی و حرمت شکنی را فراهم می کنند و موجب جدا شدن دوستان از یکدیگر می شوند.

گاهی شادی هایی که از راه های مختلفی پیدا می شود با گناه با گناه و معصیت و لهو و لعب توأم است.

1) شادی به گناه: از امام سجاد (عليه السلام) نقل است که می فرماید: (از خوشحالی به گناه بیرهیز پرا که خوشحالی به گناه از خود گناه بدتر و بزرگتر است.)

2) شادی در برابر لغزش دیگران: امام علی (عليه السلام) فرموده اند: (به لغزش دیگران خوشحال نشو زیرا تو نمی دانی زمانه با تو چه خواهد کرد.)

3) شادی تمسخرآمیز: یکی از شادی های منفی، شادی تمسخرآمیز است که به منظور تحقیر و تضعیف حق انجام می شود.

4) شادی مغرورانه: قرآن کریم درباره قارون می فرماید: همانا قارون یکی از ثروتمندان قوم موسی بود که بر آنها طریق ظلم و طغیان پیش گرفت و ما آنقدر گنج و مال به او دادیم که بر دوش بردن کلید آن گنج ها صاحبان قوت را خسته می کرد.

در مجموع می توان گفت که سرور، شادمانی و فرحی مورد نهی واقع شده است که موجب غفلت از یاد خداوند متعال شود؛ یعنی لهو و لعب باشد و هرچه که این عنوان بر آن صدق کند، مورد نهی واقع شده است؛ اعم از اینکه سرور و شادمانی باشد یا غم و اندوه. (بثربی، 1390، ص 452)

نتیجه گیری

- 1) دو واژه سرور و فرح از مترادفات کلمه شادی هستند که سرور به شادی پسندیده گفته می شود اما مدح به معنای شادی و لذت زودگذر می باشد.
- 2، شادی یعنی احساس مثبتی که از حس ارضای پیروزی بدست می آید. حالتی که در فرآیند میل به علاقه های آدمی به وجود می آید. این پدیده هرچند از زوایای مختلفی تعریف شده است ولی به گفته اندیشمندان، نیاز اساسی انسان به شمار می رود.
- 3) روایات فراوانی در باب شادکردن دیگران و ادخال سرور نقل شده است که از ویژگی های بارز یک مومن را ادخال سرور در قلب مومنان می دانند.
- 4) شادی عوامل متعددی دارد من جمله: امام سجاد (علیه السلام) شادی را از خداوند طلب می کنند که خواستن شادی خود موجب فراهم شدن شادی است. از عوامل دیگر خداپاوری و داشتن تفسیر زیبا از زندگی و تعبیری دلنشین از مرگ می باشد.
- 5) ویژگی های شادی پسندیده این است که اولاً مشروع باشد دوماً انسان را به کمال حقیقی برساند نه اینکه از مقصد دور کند.
- 6) از مصادیق شادی ممدوح می توان به این موارد اشاره کرد: شوخی، شادی به هنگام شادی اولیاء، دیدار برادران ایمانی، انجام کار نیک.
- 7) شادی ناپسند در آیات و روایات به صورت گسترده ای بیان شده است. از جمله موارد شاخص آن: شادی به گناه خود و دیگران، شادی تمسخرآمیز به قصد استهزاء و شادی مغرورانه.
- 8) به طور کلی، مومن باید با زیرکی میان شادی ممدوح و مذموم را تمیز دهد و با انجام شادی پسندیده و ممدوح، امر خدای عزوجل و ائمه طاهرین (علیهم السلام) را امتثال بخشد.

- (1) قرآن کریم
- (2) نهج البلاغه
- (3) صحیفه سجادیه
- (4) ابن بابویه، شیخ صدوق، 1396ق، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- (5) اسکندری، محمدحسین، 1380، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ چهارم.
- (6) اصفهانی، راغب، 1386، مفردات الفاظ القرآن، مترجم: مصطفی ارحمی نیا، تهران، نشر سبحان، چاپ اول.
- (7) پسندیده، عباس، 1390، کانون مهرورزی، تهران، انتشارات ریاست جمهوری مرکز امور زنان و خانواده، چاپ پنجم.
- (8) پیشوایی، مهدی، 1388، سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ بیست و یکم.
- (9) جوادی آملی، عبدالله، 1391، مفاتیح الحیاه، قم، انتشارات مرکز نشر اسراء، چاپ هفتاد.
- (10) حر عاملی، محمد بن حسن، 1387، وسایل الشیعه، قم، انتشارات مرکز ذوی القربی، چاپ اول.
- (11) حکیمی، محمدرضا، 1380، الحیاه، مترجم: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (12) خدای، اسدالله، 1385، شادی کیمیای زندگی، انتشارات حجت، چاپ اول.
- (13) خدایی، زبیده، 1388، خدایا چگونه شاد باشم، قم، انتشارات نگاران نور، چاپ اول.
- (14) ریشه‌ری، محمد محمدی، 1377، میزان الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، چاپ اول.
- (15) سماک امانی، محمدرضا، 1385، شادی در اسلام، کرج، انتشارات نشرآموز کشاورزی، چاپ اول.
- (16) قرشی، سید علی اکبر، 1381، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
- (17) کلینی، محمد بن یعقوب، 1386، اصول کافی، قم، انتشارات قائم آل محمد (صلوات الله علیهم)، چاپ سوم.
- (18) کلینی، محمد بن یعقوب، 1388، تحفه الاولیاء، مترجم: محمدعلی اردکانی، قم، انتشارات دارالحديث.
- (19) لقمانی، احمد، 1386، یک زندگی زیبا، بیجا، انتشارات بهشت بینش، چاپ پنجم.
- (20) مجلسی، محمدباقر، 1362ق، بحارالنوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- (21) محمدی گلستانه، سیدعلاء الدین، 1387، منهج الیقین، قم، انتشارات دارالحديث، چاپ اول.
- (22) معین، محمد، 1382، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات بهزاد، چاپ اول.
- (23) مکارم شیرازی، ناصر، 1386، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم.
- (24) ممدوحی کرمانشاهی، حسن، 1385، شهود و شناخت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

25) نراقی، محمدعلی حیدری، 1389، شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ شانزدهم.

26) وافی، علی، 1390، نسیم هدایت، قم، انتشارات شفق، چاپ دوم.

27) یثربی، سیدمحمد، 1390، قم، رساله حقوق، نشر اکرام.